

اشارہای بہ زیباشناسی از منظر

پدیدارشناسی (۲)

ویراست جدید

محمود خاتمہ



بنامکتابخانه

۱۳۹۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشر
۹	پیشگفتار
۱۱	فصل اول؛ اشاره‌ای به زیباشناسی از منظر پدیدارشناسی
۱۳	مقدمهٔ اول
۱۵	مقدمهٔ دوم؛ پدیدارشناسی
۲۱	فصل دوم؛ زیباشناسی نزد پدیدارشناسان کلاسیک
۲۳	موریتس گیگر (۱۸۸۰-۱۹۳۷)
۲۵	رومن اینگاردن (۱۸۱۹-۱۸۹۳)
۲۷	فریتس کافمن (۱۸۹۱-۱۹۵۸)
۲۸	مایکل دوفران (۱۹۱۰)
۳۱	لودویگ لاندگر به (۱۹۰۲)
۳۲	ملاحظهٔ نهایی

فصل سوم: زیباشناسی نزد پدیدارشناسان غیرکلاسیک ۳۳

الف. پدیدارشناسی هرمنوتیک ۴۱

پل ریکور (۱۹۱۳-۱۹۹۵) ۴۵

جیانی واتیمو ۴۷

ب. پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی ۴۸

ژان پل سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۴) ۴۸

موریس مرلوپونتی (۱۹۰۸-۱۹۶۱) ۵۳

ج. پدیدارشناسی پست‌مدرن ۵۳

امانوئل لویناس (۱۹۰۶-۱۹۹۵) ۵۴

ژاک دریدا (م. ۱۹۳۰) ۵۶

خاتمه ۵۸

پیوست ۶۰

تئودور آدرنو (۱۹۰۳-۱۹۶۹) ۶۰

ملاحظه نهایی ۶۴

مقدمه اول

این جزوه مختصر حاوی معرفی بسیار اجمالی پدیدارشناسی است که به مسئله زیباشناسی و هنر توجه کرده‌اند و از روش پدیدارشناسی - خواه به‌نحو کلاسیک و خواه با تفسیر جدید - از آن استفاده کرده و به بحث در این موضوع اثباتاً یا نفیاً پرداخته‌اند. هدف اصلی در این جزوه تفصیل یا تقریر آرای این پدیدارشناسان نبوده، چون نه در جزوه‌ای به این اختصار، بلکه در چند جلد نیز این کار به سهولت میسر نمی‌شود تا چه رسد به نقد و بررسی نظریات و آرا. غرض معرفی ایشان و آثاری از ایشان بوده که مستقیم دخی به حوزه زیباشناسی و هنر داشته است. بدین‌منظور در این جزوه مسئله محور بحث نشده بلکه نخست، پدیدارشناسی که به این حوزه پرداخته‌اند، برحسب تلقی آنان از پدیدارشناسی، به کلاسیک و غیر کلاسیک تقسیم شده‌اند و ذیل هریک نیز تقسیماتی انجام گرفته، سپس به صورت فردی در مورد هریک به اجمال و اختصار توضیحاتی داده شده و سپس آثار اصلی آنان معرفی گردیده است. باشد که دانشجویان و طالبان به آنان مراجعه نمایند و به‌طور مستقیم با آثار ایشان آشنا شوند و از آن بهره گیرند. در پایان نیز منابع محدودی که ممکن بود به کار آید معرفی گردیده است.

مقدمهٔ دوم؛ پدیدارشناسی

واژهٔ پدیدارشناسی^۱ در نیمه دوم قرن هجدهم میلادی به کار رفت. لمبرت که همچون بومگارتن از پیروان لایپنیتس و شاگردان ولف بود، واژهٔ پدیدارشناسی را معادل تحلیل پدیدارها به منظور دستیابی به حقیقت می‌دانست. با ظهور کانت این روش در حوزهٔ تعیین علم جدید - و عالم عینی - به کار برده شده و سپس نزد ایدئالیست‌های آلمانی و از جمله هگل جایگاه شایستهٔ خویش را یافت. پیش از این رابینسون «پدیدارشناسی» را علم «مطالعهٔ پدیدارهای عالم» خواند. و روش کشف قوانین کلی حاکم بر عالم دانست. به‌طور کلی، کسانی که به‌طور کلاسیک «پدیدارشناسی» می‌کردند، در دو نکته مشترک بودند: نخست این که برای آنها پدیدارشناسی روش بود و دیگر آن که پدیدارشناسی با آگاهی صور آن سروکار داشت.

در پایان قرن نوزدهم ادموند هوسرل - از شاگردان برنانتو - پدیدارشناسی را همچون گونه‌ای روان‌شناسی توصیفی^۲ به کار برد که به مدد آن می‌توان به‌طور روشمند آگاهی، صور آن و متعلقات آن را

1. Phenomenology

2. descriptive Psychology